

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛ شبکه های توجه گرافی (GAN)

مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



آموزش استفاده از وب آو ساینس

کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مکالمه روزمره انگلیسی

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیستم، شماره نهم، آذر ۱۳۹۹، ۶۷-۸۹

نقد کتاب جنبش‌های اسلامی در قفقاز شمالی

سیده مطهره حسینی*

فاطمه عیدی**، رضیه موسوی فر***

چکیده

«آنا زلکینا» در کتاب «جنبش‌های اسلامی در قفقاز شمالی» (در اصل با عنوان «در جستجوی خدا و آزادی؛ واکنش صوفیان به پیشروی روسیه در قفقاز شمالی») به رابطه حوزه اندیشه‌ها و گستره واقعیت‌ها، به ویژه اینکه چگونه یک دین می‌تواند ارزشها، نظام اجتماعی و فرهنگ حقوقی یک جامعه را دگرگون کند، می‌پردازد. توجه ویژه کتاب به تأثیر یک حلقه عرفانی، سیاسی و تاریخی است که با هدف مطالعه قفقاز در آستانه حمله روس‌ها تهیه و تدوین شده است. در این مقاله ضمن مطالعه بخش‌های مختلف کتاب و محتوای آن، فحوای کلام زلکینا از بحث درباره تصوف در روسیه بررسی شده و با بیان نقاط ضعف و کاستی‌های محتوایی کتاب، نقاط قوت آن و فصول بدیعی نیز معرفی شده است. اشکالات ترجمه‌ای کتاب نیز در بخش نقد شکلی در پایان این نوشته آمده است. روش مطالعاتی مقاله، اسنادی و مراجعه به منابع کتابخانه‌ای است. نتیجه‌گیری مقاله نشان می‌دهد که رویکرد سیاسی هویت فرهنگی مسلمانان منطقه قفقاز، تصوف را به عنوان بستر مقاومت مسلمانان آسیای مرکزی و قفقاز در برابر حاکمان مستبد و ضد دین بکار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: تصوف قفقاز، قادریه، شیخ منصور، حمزه بیک، امام شامل، نقشبندیه سیاسی.

* استادیار علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)، ma_hoseyni@yahoo.com

** استادیار مدیریت، دانشگاه پیام نور، eidi50@yahoo.com

*** استادیار علوم سیاسی، دانشگاه حکیم سبزواری، mosavyfar@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۰

۱. مقدمه

چندین سده پیش از آنکه دولت روسیه گسترش خود را در سده ۱۰ ق/۱۶م در شرق، جنوب و غرب، آغاز کند، اقوام متعدد و گوناگونی که در اطراف رود ولگا، غرب دریای خزر، قفقاز، داغستان و... می‌زیستند که بیشتر از شاخه‌های مختلف نژاد ترک بودند. آنها اسلام آوردند، و تمدن و فرهنگ اسلامی - ترکی خاص خود را داشتند. در این حوزه گسترده جغرافیایی - که از آن سوی ماوراءالنهر تا دریای سیاه را دربر می‌گرفت - تصوف از جمله عوامل پر قدرت اجتماعی بود که سابقه تاریخی آن به ظهور نخستین صوفی برجسته ترک، یعنی خواجه احمد یسوی (در گذشته به سال ۵۶۲ ق/۱۱۶۷م) و پیروانش باز می‌گردد. در سده‌های بعدی نیز طریقت نقشبندی در آسیای مرکزی به ظهور رسید که به نوبه خود با کوشش صوفیان نقشبندی در سرزمینهای مختلف گسترش یافت. افزون بر این دو طریقت، طریقت قادریه نیز در دوره متأخر به این منطقه راه پیدا کرد که گرچه پیروان کمتر و حضور محدودتری داشت، اما در جنبشهای اجتماعی نقش مهمی را ایفا نمود (فلاحی موحد، ۱۳۸۷) و (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۸۲-۸۳).

دو جمهوری مهم منطقه قفقاز شمالی که پرجمعیت‌ترین و پر مسئله‌ترین اقوام غیرروس روسیه هستند، یعنی داغستان و چچن معتقد به طریقت‌های تصوف است و بیش از هشتاد درصد از جمعیت این دو جمهوری وابسته به طریقت‌های نقشبندی و گاه قادریه هستند (حسینی، ۱۳۹۱: ۱۴۱).

درباره مسلمانان روسیه و قفقاز و نیز تصوف در این منطقه آثار کمی در دسترس است که تعداد بسیار کمی از آنها نیز به صورت تالیف و ترجمه به زبان فارسی موجود است. به همین دلیل ماهیت اسلام و تصوف در قفقاز ناشناخته است. آنا زلکینا پژوهشگری است که بطور اخص روی این حوزه و این موضوع کار کرده است.

۲. معرفی کلی کتاب

کتاب «جنبش‌های اسلامی در قفقاز شمالی: در جستجوی خدا و آزادی؛ واکنش صوفیان به پیشروی روسیه در قفقاز شمالی» با نام اصلی «In Quest for God and Freedom: the Sufi response to the Russian advance in the North Caucasus» «Anna Zelkina» توسط آنا زلکینا در انتشارات هرست اند کمپانی لندن «Hurst & Company, London» در سال ۲۰۰۰ در ۱۷۰

صفحه چاپ شده و در ایران با ترجمه دکتر «الهه کولایی» استاد دانشکده حقوق (مرکز اوراسیای مرکزی) دانشگاه تهران و «محمد کاظم شجاعی» دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز دانشگاه تهران از سوی نشر علم در سال ۱۳۹۰ در ۳۱۹ صفحه به بازار آمده است.

نخست به محتوای کتاب نگاهی می‌اندازیم. **بخش نخست** کتاب با عنوان «مردم و سرزمین»، **بخش دوم** با عنوان «اسلام و نهادهای اسلامی در قفقاز شمالی»، **بخش سوم** با عنوان «گسترش روسیه و آغاز نوزایی دینی»، **بخش چهارم** با عنوان «خاستگاه‌ها و دگرگونی‌های نقشبندیه - مجددیه - خالدیه: آیین‌ها و رفتارها»، **بخش پنجم** با عنوان «ترویج نقشبندیه - مجددیه - خالدیه در قفقاز شمالی: دوران سازندگی» به بحث‌های مقدماتی درباره تصوف پرداخته‌اند. **بخش ششم** با عنوان «نخستین امام‌های نقشبندی و آغاز غزوات» به داستان جالب و جذاب ظهور سه امام طریقت در مبارزه با روس‌ها می‌پردازد. شاید این بخش، یکی از غنی‌ترین داستان‌های مستندی است که زلکینا بازگفته و با مراجعه به منابع دست اول و دوم منطقه‌ای و محلی، یکی از تبلورهای عینی تصوف را بازتاب داده است.

بخش هفتم با عنوان «شامل: امام سوم قفقاز شمالی» داستان‌های ناگفته‌ای از زندگی قهرمان بزرگ داغستانی‌ها است که در برابر روس‌ها ایستاد و به نظر می‌رسد که کانون مباحث کتاب نیز باشد. **بخش هشتم** با عنوان «دولت خدا: ایجاد، اوج و انحطاط آن» درباره دوران امامت و زعامت سیاسی امام شامل است. **سخن آخر** کتاب که نتیجه‌گیری مباحث به شمار می‌آید درباره «میراث تصوف در قفقاز شمالی» و به طور خلاصه چند و چون آن در چند صفحه، از میراث سیاسی نقشبندیه صحبت کرده است.

۳. نقد و تحلیل خاستگاه اثر

نویسنده در این کتاب به رابطه میان حوزه اندیشه‌ها و گستره واقعیت‌ها، به ویژه اینکه چگونه یک دین می‌تواند ارزشها، نظام اجتماعی و فرهنگ حقوقی یک جامعه را دگرگون کند، می‌پردازد. در این مسیر توجه ویژه این کتاب به تأثیر یک حلقه عرفانی و سیاسی، تاریخی است که با هدف ارائه مطالعات سیاسی تاریخی پیش از تصرف روس‌ها تهیه و تدوین شده است (آینه پژوهش، ۱۳۹۰: ۱۳۶-۱۳۷).

کتاب در هشت بخش به نگارش درآمده و دارای پیشگفتار ۲۵ صفحه‌ای (بدون عنوان) است که در آن مقدمه مترجم و نویسنده و تصویر نقشه‌های معرف فضای جغرافیایی (شامل

نقشه‌های حدود قفقاز، چچن و داغستان و نقشه قومی-زبانی منطقه) آمده است. در مقدمه نویسنده، زلکینا به مشکلاتی که در تدوین اثر وجود داشت، اشاره کرده و در هر بخش از کار خویش، دشواری‌های موجود را برشمرده که اهم آنها، نبود منابع می‌باشد. چنانچه او متذکر شده، حوزه قفقاز در مطالعات علوم انسانی و اجتماعی، حوزه نزدیک به صفر به شمار می‌آید و آثار بسیار کمی درباره این سرزمین نگاشته شده است. «تنها یک جنبه از تاریخ نیمه اول قرن نوزدهم قفقاز نظر پژوهشگران غربی را به خود جلب کرده است: جنگ روسیه و قفقاز (۱۸۲۵-۱۹۶۵)» (زلکینا، ۱۳۹۱: ۱۵). همین مقدمه نشان‌دهنده میزان تسلط نویسنده به موضوع پژوهش می‌باشد. زلکینا به مشکلات پیش روی پژوهشگران برای کار روی دین و تصوف در قفقاز اشاره کرده و مهمترین آن یعنی فشار دولت‌های حاکم بر روسیه اعم از تزارها و شوروی را یادآور شده و گفته است که حتی عثمانی‌ها نیز با تنگ‌نظری و بدبینی به امام قفقازی و شورش‌ها و مدعیات اهالی قفقاز می‌نگریستند. به نوشته او،

محققان روسی که در مورد این موضوع پژوهش می‌کردند، بیشتر به دنبال یافتن پاسخ به نیازهای عملیاتی بودند و تلاش می‌کردند با تهیه اطلاعاتی در مورد ساختارهای اجتماعی این مناطق، دولت روسیه را برای ایجاد نظام اداری کارآمد یاری رسانند. در نتیجه چنین رویکردی، آنها با ریش‌سفیدان و بزرگان محلی همچون ملاکان و نجیب‌زادگان روس و با سایر کوه‌نشینان مانند صرف‌های روسیه برخورد می‌کردند. در همین حال پژوهشگران تحت تاثیر نیاز به توجیه برای ستاندن زمین‌های مردم از سوی روسیه، هرگونه مالکیت شخصی در مناطق ویژه‌ای از داغستان و چچن را رد می‌کردند. در دوران کمونیسم، تلاش‌های پیگیری برای قرار دادن جوامع کوهستانی در ساختار نظریه «طبقاتی» مارکسیسم صورت گرفت (زلکینا، ۱۳۹۱: ۱۹).

بنابراین نویسنده به عنوان یک بومی احساس نیاز می‌کند که به بررسی واقعیت تصوف در قفقاز بپردازد.

۴. آنا زلکینا؛ نویسنده‌ی اسلام پژوه قفقازی

آنا زلکینا مدرس اسلام در آسیای مرکزی در دانشکده مطالعات شرقی و افریقایی دانشگاه لندن اصلتاً روس‌تبار است. آثار زیادی از او منتشر نشده، و پژوهشگری با کارهای خاص و کم‌شمار می‌باشد. عملاً اطلاعاتی از او بر روی اینترنت موجود نیست. بر اساس رزومه‌ای

که به درخواست من برایم ایمیل کرده است، او کارشناسی و کارشناسی ارشد خود را از دانشکده شرق شناسی دانشگاه دولتی سن پترزبورگ در رشته مطالعات خاورمیانه گرفته است و دوره دکتری پژوهش محور (DPhil) خود را به عنوان پژوهشگر مطالعات شرق میانه در دانشگاه آکسفورد، کالج سنت آنتونی، دانشکده شرق شناسی، رشته مطالعات شرق میانه به پایان رسانده است. او پیش از SOAS در اپن یونیورسیتی (Open University) تدریس می‌کرده و کارشناس ارشد مطالعات اسلامی بویژه در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز است. زلکینا همچنین گزارشگر بخش روسی شبکه بی‌بی‌سی است (azelkina@googlemail.com).

مقالات و سخنرانی‌هایی با موضوع دین، فرهنگ و اقوام قفقازی از او در دست است. از جمله برجسته‌ترین شان کتاب «مقدمه‌ای بر شناخت چچن‌ها» است که در سال ۲۰۰۲ توسط انتشارات راتلج/کرزن در ۲۵۶ صفحه منتشر شده است (Zelkina, 2002). همچنین از مقالات او می‌توان به «اسلام و سیاست در قفقاز شمالی» که در مجله دین، دولت و جامعه چاپ شد اشاره کرد (Zelkina, 2008). گاه نیز در نوشتن بخشی از یک کتاب همکاری کرده است. مثلاً بخش هفتم کتاب موشه گامر با عنوان «وهابیت در قفقاز شمالی هم‌راستا با دولت و جامعه: مطالعه موردی داغستان» را او نوشته است (Zelkina, 2002). بر روی سایت دانشکده مطالعات شرقی و افریقایی (soas) (www.soas.ac.uk) کارهای انگشت‌شماری از او می‌بینیم که آخرین و قابل‌تامل‌ترینشان کنفرانسی با نام «اسلام در قفقاز پسا شوروی: جنبه‌های حقوقی، اجتماعی و سیاسی» است که در سال ۲۰۰۸ در این موسسه برگزار شده است.

۵. نقد شکلی

با وجود تلاشی که مترجمان برای برگردان کتاب به عمل آورده‌اند و ترجمه‌ای روان و خوش فرم ارائه کرده‌اند، اندک خطایی در متن فارسی به چشم می‌خورد که بیش از هر چیز به دلیل رواج ترجمه آماتورری در حوزه قفقاز می‌باشد. در اینجا به اشکالاتی که بر مترجمین در برگردان کتاب وارد است، می‌پردازیم که به دو دسته تقسیم می‌شوند: بی‌توجهی به املاهای معمول کلمات در فارسی و اشکالات ترجمه‌ای.

۱.۵ بی‌توجهی به املائی معمول کلمات در فارسی

- (سید احمد) سیر هندی (ص ۱۱۸-۱۲۳): معمولا سرهندی ترجمه شده است. برای نمونه به متون جنبش‌های اسلامی مثلا کتاب دکتر احمد موثقی مراجعه فرمایید.
- (طریقت) چیشتی (ص ۱۲۲ و ۱۲۷) معمولا چشتی نوشته می‌شود.
- الشهرزوری (صوفی) (ص ۱۲۴): شهرزوری درست است؛ صوفی که اهل شهرزور کردستان است.
- (قوم) اوست (ص ۱۵۸): حتی اگر واژه‌به‌واژه به فارسی برگردانده شود باید اوستی نوشته شود که وجه وصفی (صفت) آن در متن انگلیسی (Osetian) است. ولی معمولا در متون فارسی آستی (ها) نوشته می‌شود که قومی ایرانی تبار است.
- قاضی محمد (ص ۲۰۰-۱۷۲): واژه Ghazi در متون مربوط به قفقاز در بیشتر موارد، نه به معنای قاضی (قضاوت کننده) بلکه به معنای غازی (جنگجو) می‌باشد. همچنین به عنوان پیشوندی برای نام‌های پسرانه استفاده می‌شود.
- عُجدوانی صوفی معروف به اشتباه قجوانی ترجمه شده است (ص ۱۱۳-۱۱۴) که احتمالا مترجم بنا بر سنت مالوف در زبان انگلیسی، jrd را در واژه Ghujduwani ج در نظر گرفته است.
- عبدالقدیر (Abd al-Qadir) گیلانی (ص ۱۲۵): منظور، عبدالقادر گیلانی عارف شناخته و مشهور و مؤسس طریقت قادریه است که در بغداد مدفون می‌باشد.
- یراقی (ص ۱۴۱ به بعد): در صفحات متعدد به این غازی اشاره شده و به نظر می‌رسد با توجه به پیشینه ترکی منطقه، نام یراگی درست‌تر باشد.
- قابارتا (کاربارد) (ص ۲۴۶): قوم قابارد که در تلفظ ترکی، قاربارت هم گفته می‌شود، به روسی، کابارد نوشته و گفته می‌شود.
- قاضی محمد عمالات بیک (ص ۲۵۰): غازی محمد عومالات بیک / اومالات بیک (Ummalat Bek) درست‌تر به نظر می‌رسد.
- مرتزقه (ص ۲۵۸): ارتش شیخ شامل که مرتزقه نامیده می‌شد چون از محل بودجه دولتی حقوق می‌گرفت.

۲.۵ اشکالات ترجمه‌ای

ترجمه واژه به واژه و عینی مترجم که می‌تواند گویای تازه‌کاری او نیز باشد، موجب شده است که از روانی متن در برخی جایها کاسته شود و گاهی نیز متن گنگ و نامفهوم شود. هرچند باید گفت که ترجمه در کلیت متن، روان و رسا است. همچنین، گاه به نظر می‌رسد که مترجمان از واژه‌های بهتری می‌توانستند استفاده کنند که نمونه‌های آنها در زیر آمده است:

- «آیین نقشبندیه روحانی» (ص ۱۴۳): ترجمه «آیین معنوی نقشبندیه» درست‌تر و روان‌تر و به معنای متن انگلیسی نزدیک‌تر است.
- مبارزه خونزاخ (ص ۱۸۵): نبرد خونزاخ برابر واژه مناسب‌تری است.
- پادشاهان شروان: منظور «شروانشاهیان» است.
- بجای ترجمه‌های عینا برابر انگلیسی مانند «فعال سازی سیاسی طریقت نقشبندیه» (ص ۱۱۶)، مترجم می‌توانست به سادگی «سیاسی شدن نقشبندیه» را بکار برد.
- برخی اشتباهات ترجمه‌ای بسیار نابجا است و کاملاً متن را با مشکل دچار کرده است. مثلاً شاهرخ تیموری به خان شاروح ترجمه شده است. دانستن تاریخ تخصصی و اندکی زبان ترکی و نیز دقت در ترجمه، درصد چنین خطاهایی را بسیار می‌کاهد. چنانچه در متن انگلیسی کتاب زلکینا آمده است: «در عصر سلسله تیموری پس از شاهرخ خان (۱۴۰۴-۱۴۴۷ م.) می‌زیست (Zelkina, 2000: 81)» که در ترجمه فارسی چنین آمده است: «خان شاروح (که در سال‌های [۱۴۰۴-۱۴۴۷ میلادی] حکومت کرد)» (ص ۱۱۶). حتی با توجه به سال‌های حکومت شاهرخ تیموری (برابر با ۸۰۷-۸۵۰ ق.) نام او قابل استخراج بود.
- (احتمالاً) ترجمه عینی واژه Orthodoxy به راست‌کیشی گرچه در ترجمه واژه به واژه درست است و وافی معنای واژه انگلیسی آن نیز می‌باشد ولی در زبان فارسی، معنا را نمی‌رساند. مثلاً وقتی می‌گوییم «شیخ خالد هوادار راست‌کیشی بود» (ص ۱۲۶) منظور این است که او اصول‌گرا یا سلفی بوده و منظور نویسندگان انگلیسی هم همین است زیرا هنوز واژه مناسبی برای اصول‌گرایی یا سلفی‌گرایی در لاتین وجود ندارد و واژه‌هایی مانند Radical به معنای ریشه‌ای و اصولی، یا founamentalist به معنای بنیادگرا و ... معنای اصول‌گرایی یا سلفی‌گرایی را

نمی‌رسانند که البته از نظر تاریخ شبیه راست‌کیشی ارتدکسی در مسیحیت است ولی راست‌گرایی در تاریخ اسلام هیچگاه روی نداده و معنایی هم ندارد. این اصطلاح در جاهای دیگر کتاب نیز با همین نوع خطا بکار برده شده است.

۶. نقد محتوایی اثر

۱.۶ نقد وضعیت تحلیل و بررسی اثر؛ استفاده گزینشی از مطالب با روش خاص نویسنده

استفاده گزینشی که نویسنده از مطالب انجام داده و با روش خاصی آنها را کنار هم چیده است، در همه جای کتاب دیده می‌شود و ویژگی سبک نویسنده است. برای نمونه، در بخش دوم کتاب، درباره اسلام در قفقاز شمالی، ابتدا به اسلام در داغستان اشاره شده و در تاریخ اسلامی شدن داغستان، نکات زیر به ترتیب آمده‌اند: فتح منطقه توسط ابومسلمه برادر هشام خلیفه اموی که برخی او را با ابومسلم خراسانی اشتباه می‌گیرند؛ سه قومی که هم اینک خود را از تبار ابومسلمه می‌دانند، مناطقی که او بدست آورد و مناطقی که به دستش نیفتاد (بصورت ناقص بیان شده)؛ تسلط خزرها بر عباسیان؛ حکومت شروانشاهیان؛ و سپس ناگهان گفته شده است که «نخستین گام مهم اسلامی شدن داغستان در قرن دهم کامل شد» (زلکینا، ۱۳۹۰: ۵۳-۵۴). پرسشی که برای خواننده طرح می‌شود این است که: پس تابحال که سخن از اسلامی شدن منطقه و ورود اسلام به مناطق بود؟ تازه پس از چند قرن نخستین گام برداشته می‌شود! این نقص، به خاطر اطلاعات بریده بریده‌ای است که نویسنده به شکلی فارغ از روش‌های آکادمیک یا ادبیات داستانی و توصیفی ارائه کرده است. این بخش بر پایه اطلاعات موجود که برای خواننده بومی محلی جالب است و نقص‌های اطلاعاتی را در ذهن آشنا به محل اوبی‌اهمیت جلوه می‌کند، نوشته شده است.

زلکینا با فرض اینکه این مطالب از پیش نوشته شده‌اند، یا فرضی دیگر مثلاً استفاده از منابع متفاوت، تنها به نکاتی اشاره می‌کند که معمولاً در این متون وجود ندارند یا اینکه نقاط پیوند این کلیت تاریخی به حساب می‌آیند. در واقع استفاده گزینشی خاص از مطالب با روش خاص نویسنده که شبیه کنار هم گذاشتن نقل قول‌ها است، به متن زلکینا، سیمای ساختارشکنانه‌ای داده است که انتظار ما را درباره فراساختارگرایی متن، بخوبی برآورده می‌کند.

زلکینا در این گفتار، بجز بیان چگونگی ورود اسلام به داغستان، درباره دانش عربی اسلامی در داغستان سخن می‌گوید و با بیان نمونه‌هایی از استفاده داغستانی‌ها از زبان عربی به عنوان زبان علمی، کل بحث داغستان را به پایان می‌رساند.

۲.۶ نظم منطقی و ریشه‌های ایرانی - اسلامی اثر

زلکینا با بیان چگونگی سرازیر شدن روس‌ها به مرزهای جنوبی و تصرف قفقاز، در گفتاری درباره جنبش اصلاح‌گرایانه مسلمانان که به باور وی از قیام شیخ منصور اوشورما آغاز شد، به بحث نقشبندیه وارد می‌شود. در اینجا نیز نه درباره نقشبندیه بلکه درباره ویژگی‌های شخصی شیخ منصور، خاطراتی از او، برخی رویدادها در جنگ‌های اوشورما با روس‌ها و نقش و ویژگی یرمولوف فرمانده روسی در مقابله با قفقازی‌ها و چیرگی روسیه بر منطقه سخن می‌رود که بیشتر، بیانگر ویژگی‌های شخصی و رویدادهای زندگانی این رهبران و برخی اقوام است تا سیر حوادث به شکلی تاریخی. اینجاست که زلکینا به بحث نقشبندیه در بخش چهارم کتاب و معرفی این طریقت می‌رسد و می‌نویسد:

طریقت صوفیه که در شمال قفقاز مطرح شد، نام بهاء‌الدین نقشبند را که در قرن چهاردهم ... در بخارا می‌زیست، به خود گرفت. با این حال نه سنت نقشبندیه و نه تاریخ‌نگاران، خود را بنیان‌گذار نقشبندیه نمی‌دانند. استادان صوفی، قدمت تصوف را به قدمت خود اسلام دانسته و ریشه‌های آن را به خود (حضرت) محمد [ص] نسبت می‌دهند. در سنت صوفیه، پیامبر اسلام [ص]، نه تنها دریافت‌کننده و توضیح‌دهنده الهام‌های الهی (وحی)، که راهنمای اصلی مسیر خدا، نخستین حلقه زنجیر سلسله اش است (زلکینا، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

این متن، نمونه‌ای از نوشته‌های کتاب است که شیوه ترجمه را نشان می‌دهد. تقریباً همه علائم دستوری (در اینجا ویرگول‌ها) را خودم افزودم و به نظر می‌رسد متن می‌توانست از ویراستاری فنی بهتری برخوردار باشد. همچنین شیوه ترجمه، هرچند دقیق و وفادار به متن است ولی واژه به واژه بوده و این می‌تواند نشان‌دهنده تازه کاری نویسنده باشد. همچنین مترجمین می‌توانستند به جای فعل «بازمی‌گردانند» از فعل «نسبت می‌دهند» و به جای اصطلاح «توضیح‌دهنده» از واژه «مفسر» استفاده کنند که هرچند دقیقاً برابر با متن انگلیسی آنها نیست ولی متن فارسی را روان‌تر و رساتر می‌کند. کلامن با ترجمه باز و مفهومی به

شرط بیان همه دقایق و منظور نویسنده به زبان فارسی موافق ترم تا ترجمه واژه به واژه و عینی.

این معرفی‌نامه، آغازی است بر معرفی خاستگاه ایرانی این جریان اسلامی. چراکه طریقت نقشبندیه در سده‌های ۹-۱۰ق/۱۵-۱۶م از ناحیه بخارا به منطقه ولگای میانه راه یافت و به تدریج پیروان طریقت‌های یسوی و قادریه را در خود جذب کرد. این طریقت در سده ۱۲ق/۱۸م از طریق ولایات ایرانی کردستان و شیروان به داغستان رسید و در آنجا حضوری آشکاری داشت و از اواسط سده ۱۳ق/۱۹م نیز در ناحیه چچن‌ها و غرب و میانه قفقاز پیروان پرشماری پیدا کرد (فلاحتی موحد، ۱۳۸۷).

نقشبندیه که از خراسان بزرگ و عراق عرب برخاست و در قفقاز رشد یافت و با نگاه لاتینی و گنگ زلکینا قابل درک نیست. در حالی که زلکینا در بحث سلسله اولیه نقشبندیه به بیان رابطه صوفیان با ابوبکر یا علی (ع) می‌پردازد و بلافاصله ناگهان به بسطامی و خواجه یوسف همدانی می‌رسد؛ خواننده، چندان از مکاتب تصوف سردر نمی‌آورد و ما با پرسش‌هایی سردرگمیم؛ از جمله اینکه: خوب پس تصوف چه فرقی با تدین دارد؟ آیا همه مسلمانان به تصوف گرایش دارند؟

لازم است به بخش‌هایی از مقدمات طرح تصوف و نقشبندیه که از نظر زلکینا دور مانده نیز اشاره شود. او در حالی به پیران طریقت و پیشینیان خواجه بهاء‌الدین اشاره می‌کند، نامی از آنها نبرده و با استناد به کتب صوفیان قفقازی که در دسترسش بوده، فقط نامی و ذکر از بسطامی، خرقانی و فارمدی می‌برد و رابطه اینها را با طریقت بیان نمی‌کند. در واقع ذهن خواننده درباره سلسله مراتب نقشبندیه که زلکینا آن را بیان کرده گنگ می‌ماند. بنابراین لازم است معرفی این سه تن را به بحث بخش چهارم، گفتار ۱۱، صفحه ۱۱۲ افزوده شود. نخست بایزید بسطامی (محمدی و ایقانی، ۱۳۸۰)، (انصاری، ۱۳۷۹: ۱۵۳-۱۵۴) و (ترهار، ۱۳۸۴)؛ دوم شیخ ابوالحسن خرقانی (تورتل، ۱۳۷۸: ۴) و (مینوی، ۱۳۶۳: ۵)؛ و سوم ابوعلی فارمدی (نوربخش، ۱۳۸۱: ۱۹۹) و (تورتل، ۱۳۷۸: ۶۸).

در ادامه زلکینا به صورت شکسته بسته می‌خواهد بگوید که: چهار دوره هویتی در طریقت نقشبندیه می‌توان بازشناخت: نخستین دوره را می‌توان «پیش - آغاز» (protohistory) نامید. در این دوره که با خلیفه ابوبکر آغاز شد و با ابوعلی فارمدی (درگذشته به ۴۷۸-۴۷۹ م. / ۱۰۵۸-۱۰۸۶ ق.) به پایان رسید، طریقت نقشبندی هنوز هویتی از خود پیدا نکرده بود (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷: ۴۳۵) و (امیدوارنیا، ۱۳۷۳: ۳۰)، (طاهری و هاشمی نسب،

۱۳۸۸: ۲۵-۲۷) و (زعیمی، ۱۳۸۷: ۵۷). دوره دوم یعنی مرحله تکوین تاریخی این طریقت که مرحله هویت یابی آن است از همین زمان آغاز شد. نخستین گروهی که به این طریقت تعلق دارند خواجه‌گانند: گروهی مرکب از هفت شیخ آسیای مرکزی که که نخستین آنها خواجه یوسف همدانی (درگذشته به ۵۳۴ م. / ۱۱۴۰ ق.) و آخرین شان خواجه امیر سید کلال (درگذشته به ۷۷۲ م. / ۱۳۷۱ ق.) بود. با این همه چهره اصلی این دوره، بهاء‌الدین نقشبند است. سومین دوره تاریخی این طریقت از عصر بهاء‌الدین نقشبند تا پیشروی روس‌ها در آسیای مرکزی در سده ۱۸ م. است. انشعاب طریقت نقشبندی به چند شاخه از رویدادهای این دوره است (تر هار، ۱۳۸۴: ص ۵۸-۵۹). چهارمین دوره پس از حمله روس‌ها و تشکیل دسته‌های مبارز صوفیان نقشبندی در برابر روس‌ها است. موثرترین و کوبنده‌ترین ایستادگی در برابر روس‌ها از سوی صوفیان نقشبندی مجاهد در این دوره انجام پذیرفت که اوج آن، ظهور سه امام نقشبندی در قفقاز شمالی بود.

تفاوت‌های دینی و مذهبی در طریقت‌های صوفیان حداقل است یا حتی می‌توانیم بگوییم وجود ندارد بلکه اصل بر راه و روش صوفیانه طریقت است. زلکینا برای اشاره به این موضوعات، دسته بندی ناقصی از سلسله مراتب صوفیان و نقشبندیان بر اساس برخی منابع بالا مانند الگار و برخی کتب صوفیان محلی ارائه می‌دهد و سپس به برخی پیران و آیین‌ها اشاره می‌کند.

۳.۶ نقدی بر کیفیت و تعداد منابع اثر

نویسنده در آغاز کتاب درباره منابع به این موضوع اشاره می‌کند که «آرشیوهای روسی با وجود محدودیت‌ها و ناکارآمدی شان مطالب و منابع قابل توجهی را ... فراهم آورده‌اند. من این مطالب را با داده‌های موجود در منابع عثمانی... مقایسه کردم» (زلکینا، ۱۳۹۱: ۲۱-۲۲). آگاهی نویسنده از تاریخ دینی قفقاز و حضور او در منطقه، از سویی موجب شده اطلاعات و منابع او، دست اول و کم خطا باشند و از سوی دیگر، بخش مهمی از داده‌های مربوطه را با فرض بدیهی بودن، حذف کرده است. در ادامه، متن و محتوای کتاب و منابع مورد استفاده را با داده‌های تفصیلی و منابع جایگزین مقایسه می‌کنیم.

زلکینا در سیاسی شدن نقشبندیه به نقش خواجه عبیدالله احرار اشاره می‌کند. درباره سیاسی شدن طریقت نقش خواجه احرار پیشاپیش باید بدانیم که: در عصر تیموری، نقشبندیه در ماوراءالنهر و خراسان از شهرت و رفعت بالایی برخوردار بودند (گراس،

۱۳۸۴: ص ۶۵). حتی گفته شده است امیر تیمور در حق خواجه بهاءالدین نقشبند حرمت بسیار بجا می‌آورد (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۱۶۰). ورود نقشبندیه به فعالیت‌های سیاسی از همان دوران بهاءالدین آغاز شد که در عصر سلسله تیموری پس از شاهرخ خان (۱۴۰۴-۱۴۴۷ م.) می‌زیست (Zelkina, 2000: 81) ولی رقابت شیخ‌های نقشبندیه برای رسیدن به منابع مالی، اعتبار و نفوذ سیاسی (گراس، ۱۳۸۴: ص ۶۵) پس از بهاءالدین قوت گرفت چرا که پیران این طریقت در آغاز ساده زیست و وحدت وجودی بودند (انصاری، ۱۳۷۹: ص ۱۰۳).

خواجه عیدالله احرار (متولد ۸۰۶ ق. / ۱۴۰۴ م. در روستای باغستان در نزدیکی تاشکند، در گذشته به ۸۹۵ ق. / ۱۴۹۰ م. در سمرقند) (نوشاهی، ۱۳۸۰: ص ۳۱) رهبر معنوی دستگاه حاکمیت تیموری و نیز بزرگ‌ترین و داراترین زمیندار آن شد (Zelkina, 2000: 82) به گونه‌ای که به داشتن اموال و املاک بی‌حد و حساب معروف بود (نوشاهی، ۱۳۸۰: ص ۴۳). خواجه احرار نقشبندیه را به بزرگ‌ترین و پرنفوذترین طریقت آسیای مرکزی تبدیل کرد و نیز خلفای او این طریقت را در اقصای جهان اسلام منتشر کردند. نورالدین عبدالرحمن جامی (۸۱۷-۸۹۸ ق.) در نفعات الانس (نوشاهی، ۱۳۸۰: ۵۲) و میرعلی شیر نوایی (۸۴۱ یا ۸۴۴-۹۰۶ ق.) در «نسایم المحبه من شمایم الفتوه» در احوال خواجه احرار سخن گفته‌اند (نوشاهی، ۱۳۸۰: ص ۸). جامی، ارادت ویژه‌ای به احرار داشت چنان که در تحفه الاحرار قصیده‌ای بدین مضمون دارد:

زد به جهان نوبت شاهنشهی کوکبه فقر عیداللهی
آنکه ز حریت فقر آگهست خواجه احرار، عیدالله است

(نوشاهی، ۱۳۸۰: ص ۱).

اکنون به متن زلکینا می‌نگریم: او به نفوذ شیوخ نقشبندی در سده ۱۵ (م.) اشاره می‌کند و نقش خواجه عیدالله احرار سومین جانشین بهاءالدین، در مقابله با ازبک‌ها و حمایت از ابوسعید را یادآور می‌شود. خواننده از اینکه این رویدادها در آسیای مرکزی می‌گذرد، کمی گیج است و واقعا مطمئن نیستیم که آیا از فضای قفقاز به آسیای مرکزی گذشته‌ایم؟ سپس حضور اقتصادی و سیاسی خواجه احرار به عنوان ملاک و مشاور شاه و نکاتی درباره تغییر و تاثیر طریقت نقشبندی در ولگا را متذکر می‌شود که بدیع و پراهمیتند. بلافاصله بعد نیز وارد بحث شکل‌گیری مجددیه در گفتار بعدی (۱۲) می‌شود.

در میان منابعی که در این بخش بکار رفته، Al-khani, 1308 در بخش منابع فارسی وجود دارد. Popovic, 1968 در بخش منابع با سال 1986 موجود است و همین اشتباه درباره Gelner, 1986 (در منابع 1985)، Nikolson, 1923 (در منابع 1921)، Brown, 1986 (در منابع 1968) تکرار شده و در فصلهای دیگر نیز به اینگونه خطایا برمی‌خوریم.

دیگر اینکه کتاب عصر داغستان نوشته ه. القدری (۵-۱۸۹۴، سنت پترزبورگ) که در بخش منابع فارسی آمده، در منابع روسی نیز ذکر شده و در ترجمه روسی کتاب (۱۹۲۹، ماخاچ قلعه) نام نویسنده، M. Al-Qarakhi ذکر شده است.

همچنین استفاده زلکینا از منابع به شکلی است که در عین بهره بردن از چند منبع اصلی و دست اول، بخش مهمی از آثار مربوط به صوفیان را بازبینی نکرده یا بدون تاملی از آنها رد شده است. به نظر می‌رسد نویسنده به دنبال آن بوده است که نقش اجتماعی تصوف را تحلیل کند، نه میزان روایی مدعیات و آثار آنها را.

تا بدین جا، زلکینا به شکلی مروری به بحث تصوف و نقشبندیه پرداخته است، ولی آنچه از بخش پنجم درباره حضور طریقت در قفقاز و چگونگی مهاجرت پیرانش از آسیای مرکزی و عراق عرب بازمی‌گوید، بدیع و نوآورانه است و متنی ندیده‌ام که چنین روان و داستان وار و مستند، داستان ورود فعال نقشبندیه به قفقاز را بازگوید. این داستان زیبا در فصل ششم ادامه می‌یابد.

۴.۶ میزان نوآوری و روزآمدی اثر: بیان داستان‌وار، مستند و نوآورانه چگونگی ورود نقشبندیه به قفقاز و فعال‌شدن آن در جنگ با روس‌ها

چنانچه زلکینا در بخش پنجم و ششم متذکر شد است: نقشبندیه پس از گسترش در هند با آرای شیخ احمد سیرهندی (۹۷۱-۱۰۳۴ ق. / ۱۵۶۴-۱۶۲۴ م.) آمیخت و نقشبندیه مجاهدیه از درون آن بیرون آمد که درگیر مبارزات اجتماعی می‌شدند. سپس در کردستان (سلیمانیه) و با آرای ضیال‌الدین خالد شهرزوری کردامیری (۱۷۷۹-۱۸۲۷ م. / ۱۱۹۳-۱۲۴۲ ق.)، نقشبندیه مجاهدیه خالدیه به عرصه آمد. این طریقت زمینه‌های اجتماعی‌تر، مردمی‌تر و مبارزتر شدن نقشبندیه را فراهم ساخت (Zelkina, 2000: 83-90). شیخ اسماعیل شیروانی کردامیری، یکی از خلفای شیخ خالد از آذربایجان (شروان)، نقشبندیه مجاهدیه خالدیه را در آسیای مرکزی رواج داد. شیروانی مریدان خود را در چارچوب «رابطه» یا پیوندهایی که با او، قطب (شیخ خالد شهرزوری) و دیگر مریدان داشتند، تعریف، حفظ و سازماندهی

می‌کرد (Zelkina, 2000: 100). او دشمنی نقشبندیه نخستین با آیین تشیع را بی‌اساس دانست و مریدانی از میان شیعیان اختیار کرد. او می‌گفت در روای صادقه‌ای دیده است که فرزندان محمد (ص)؛ ایرانیان (منظور او شیعیان بود) و رومیان (منظور او ترکان بود) با صلح و صفا زندگی می‌کنند تا اینکه وحشیانی از آن سوی کوه‌ها (روس‌ها) سرازیر می‌شوند و همه را به خاک و خون می‌کشند (Zelkina, 2000: 101). بدین سان شیروانی زمینه‌های فعال شدن نقشبندیه در مبارزه با روس‌ها در سده‌های ۱۸ و ۱۹ م. را فراهم ساخت. خاص محمد از بخارا که در داغستان فعال بود از فعال‌ترین مریدان شیروانی بود که آرای او را در آسیای مرکزی و فراتر از آن منتشر کرد. شیخ محمد یراغی مرید دیگری بود که همچون خاص محمد، هم عصر شیخ خالد بود و در داغستان آرای او را تبلیغ می‌کرد (Zelkina, 2000: 102). ملا جمال‌الدین قاضی قوموغی، شبکه پنهان صوفیان نقشبندی را در قفقاز شمالی به راه انداخت. او از سادات داغستان بود و تحصیلات دینی درخوری داشت (Zelkina, 2000: 108). مریدان ملا محمد یراغی سیاسی‌ترین دسته نقشبندیه در قفقاز بودند و فعالانه در برابر پیشروی روس‌ها به جنوب کوه‌های قفقاز ایستادند (Zelkina, 2000: 116) (زلکینا، ۱۳۹۰: ۱۳۵-۱۴۴). اندیشه‌های ملا محمد یراغی از طریق داغستان وارد چین شد و بسیار مورد توجه قرار گرفت. یکی از ملاهای بسیار محترم به نام غازی عبدالقادر که به طریقت نقشبندی درآمده بود، ۱۸۲۴-۱۸۲۵ م. علیه روس‌ها اعلام جهاد کرد و بدین سان از زمان غازی محمد، نخستین امام داغستانی (متولد دهه ۱۷۹۰ م.، شهادت در سال ۱۸۳۲ م. در نبرد با روس‌ها) غزوات چین- روسیه آغاز شد (Zelkina, 2000: 121). حمزه بک (۱۷۸۹-۱۸۳۴ م.) دومین امام نقشبندی بود که داغستانی‌ها، چین‌ها، اینگوش‌ها و سایر اقوام مبارز قفقاز را علیه روس‌ها برانگیخت و غزوات جهادی را ادامه داد (Zelkina, 2000: 160) (زلکینا، ۱۳۹۰: ۱۷۲ و ۲۰۱).

زلکینا ضمن اینکه به رهبری رسیدن این شیوخ و فضای سیاسی نقشبندیه در حین اشغال قفقاز توسط روس‌ها را باز می‌گوید، به جزئیات آرای دینی و آیینی پیران طریقت نیز به گونه‌ای اشاره می‌کند که بازگوکننده میزان و چگونگی تغییر و تحولات در آیین‌های طریقتی و باورهای نقشبندیه است، طوری که با غزوات و جنگ علیه روس‌ها همخوان شود. در واقع، نقشبندیان که در دوران خواجه احرار به سیاست و تجارت روی آوردند و فضای فکری و آیینی طریقت نیز این تحولات را بازتابید، اکنون به غازی‌گری و مبارزه روی آورده بودند و فضای طریقت نیز محملی بر این تحولات بود. با این وجود هنوز هم

بنیان طریقتی نقشبندیه حفظ شده و بجای خود باقی است، چنانچه جمال‌الدین قاضی قوموغی اصول طریقت را چنین برمی‌شمارد: توبه ذکر، رابطه، صحبت (زلکینا، ۱۳۹۰: ۱۴۷-۱۵۰).

زلکینا در بخش ششم، نوع رویکرد ژنرال یرملوف فرمانده روس‌ها و متن جنگ‌های روس‌ها و قفقازی‌ها را به خوبی باز می‌کند و داستان عینی بلایی که یرملوف بر سر قفقازی‌ها آورد را متجسم می‌شود و حکایت خیزش امامان نقشبندی داغستان را نقل می‌کند. خلاصه داستان این است که: در سال‌های ۱۷۹۱-۱۷۸۵ پیشروی روسیه در مناطقی که پیشتر زیر نفوذ عثمانی و ایران بودند با پایداری مسلمانان چچن در برابر روس‌ها باز ایستاد. این پایداری با رهبری شیخ منصور اوشورما (صوفی نقشبندی) و با همکاری نیم‌بند قبایل قزاق شمالی (اومالاتوف، ۱۳۸۲: ۴۵) در ۱۷۸۵ م. انجام شد (Bell, 2003: 61). منصور اوشورما امید داشت بتواند یک کشور اسلامی در شمال قفقاز با قوانین شریعت اسلامی ایجاد نماید، اما سرانجام در نبرد با روس‌ها و بسیاری از چچن‌ها که تا آن زمان اسلام نیاورده بودند، شکست خورد. چراکه تا سده ۱۹ میلادی، مسیحیان، مسلمانان، مزداییان و بی‌دینان در چچن زندگی می‌کردند (Seely, 2004: 5). داستانی بی‌همتای غازی محمد نخستین امام داغستانی (زلکینا، ۱۳۹۰: ۲۰۰-۱۷۲) و داستان کمتر گفته شده حمزه بیک امام دوم داغستانی (زلکینا، ۱۳۹۰: ۲۰۱-۲۱۰) شامل زندگی، جنگ‌ها و باورهای دینی آنان توسط زلکینا بخوبی در کتابش آمده است. پس از مرگ آنان پرچم نهضت توسط شیخ شامل از مردم آوار (که از روزگاران باستان در شرق کوه‌های قفقاز می‌زیستند) برافراشته شد (زلکینا، ۱۳۹۰: ۲۱۱-۲۸۲). در سال‌های ۱۸۵۹-۱۸۳۴ م. با خیزش امام شامل علیه روس‌ها، راه شیخ منصور ادامه یافت ولی با فریب امام شامل از سوی سرهنگ یرملوف فرمانده سپاهیان روسی (Kelly, 2003: 123-126) - که قفقازی‌ها او را «شیطان روسی» می‌نامیدند - (منفرد و بیات، ۱۳۷۴: ۲۱-۲۳) و اسارت امام شامل در جریان گفتگوهای صلح در سال ۱۸۵۸ (Bell, 2003: 61)، سرنوشت چچن نیز همچون داغستان و اینگوش، کشتار گسترده و خونین بود (اومالاتوف، ۱۳۸۲: ۸۳). حتی در جنگ‌های دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ م. چچن - روسیه نقل قول معروف یرملوف بر زبان‌ها و به نوعی دستور کار ارتش روسیه بود: «کوچک‌ترین نافرمانی، یورش یا راهزنی در مرزها، موجب می‌شود روستاهای شما ویران شوند، خانواده و بستگان برای بیگاری و بردگی (Slavery) در کوهستان فروخته خواهند

شد و «همان»ها (Haman: رهبران دینی چیچن) به دار آویخته می‌شوند» (Mnatsakanyan, 2007: 31).

زلکینا بخش هفتم کتاب «در جستجوی خدا و آزادی؛ واکنش‌های صوفیان به پیشروی روسیه در قفقاز شمالی» را به امام شامل اختصاص داده است. امام شامل سومین امام نقشبندی بود که قفقاز شمالی را علیه روس‌ها بسیج کرد (Zelkina, 2000: 169). پس از آنکه زلکینا مطالعه مفصلی درباره روی کار آمدن شامل، امامت او، پیروان و همراهانش، جنگ‌ها، ساختار نظامی دولت و عقاید صوفیانه او، شکست‌ها، تسلیم و مرگش انجام داده (زلکینا، ۱۳۹۰: ۲۱۱-۲۷۰) و نکات ناگفته فراوانی را بازگفته است، در پایان فصل هشتم، علل درونی سقوط امامت او را بررسی کرده است (زلکینا، ۱۳۹۰: ۲۷۰-۲۸۲). از آن پس نقشبندیه نقش مبارز و سیاسی خود را از دست داده و به دلیل سرکوب خونین روس‌ها به ویژه از سوی سرهنگ یرملوف، فاتح بی‌رحم قفقاز، نیروی خود را برای خیزش نظامی و سیاسی از دست دادند. هرچند نقشبندیه در همه لایه‌های اجتماعی قفقاز و آسیای مرکزی حضور دارد و همواره ظرفیت سیاسی شدن و خیزش دوباره را دارد. در قفقاز نیز هرچند دوران امامان و شیخان پیشرو به پایان رسیده ولی همچنان بیشتر مردم به یکی از فرق صوفی به ویژه نقشبندیه پایبند هستند و مبارزان بسیاری از میان صوفیان نقشبندی بر می‌خیزند.

۵.۶ میزان تطبیق اثر با مبانی و مفروضات: نبود برخی اطلاعات بنیادی

باوجودی که زلکینا درباره قادریه و نقشبندیه سخن گفته است، به این موضوع مهم اشاره نکرده است که طریقت قادریه بیش از نقشبندیه توانسته است نظام متمرکز خود را بر اساس الگوهای متداول طریقت‌های مسلمان دیگر جوامع تنظیم کنند و همین امر را مایه پیروزی پایداری همیشگی سلسله قادریه و پررنگ شدن نقش مبارز این سلسله دانسته‌اند. قادریه شمال قفقاز، دارای «ویژگی تعیین کننده و اصلی حلقه متمرکز یعنی وجود رهبری یگانه (مرشد، شیخ) است و از این رو می‌توان او را با شاهی مقایسه کرد که دستورات بی‌چون و چرای وی از طریق سلسله مراتب پیچیده هیأت رئیسه‌ای که خود آنان را برگزیده است، اجرا می‌شود» (بنیگسن و ویمبوش، ۱۳۷۸: ۹۸). این همان قانون «نص» است که بنا بر آیات الهی در کلیه کتب آسمانی، ولایت، سرپرستی گروه مومنان را به ولی و اوصیای منصوب می‌سپارد. تفاوت مهم طریقت‌های قادریه و نقشبندی در همین است و به نظر

پژوهشگران، یکی از علل موفقیت و گسترش قادریه، تقید به حفظ سلسله مراتب در داخل طریقت و اعتقاد به مرکزیت قطب و پیروزی کامل میدان می‌باشد. همچنین «یک مرکز واحد و یک رهبری کامل و یگانه نقشبندی وجود ندارد» (بنیگسن و ویمبوش، ۱۳۷۸: ۱۰۱). البته باید توجه داشت که رهبری در طریقت‌های عرفانی نمی‌تواند ارثی باشد و منطق قرآنی که پایه و مایه اصلی تصوف است، چنین فرایندی را غیر ممکن می‌کند. معمولاً علت چنین خطایی استمرار خط ولایت در مدتی کوتاه در یک خانواده است. نکته دیگر آن است که در طریقت‌های متمرکز مانند قادریه، سلسله مراتب و مرکزیت افزون بر ایجاد یکپارچگی اجتماعی، مانع رخنه عوامل نفوذی شده است: «شگفت‌آور نیست که ک.گ.ب تاکنون از نفوذ در سازمان‌های صوفی با تطمیع یک رهبری صوفی متغذ برای دست یافتن به «اسرار» ناتوان مانده است» (بنیگسن و ویمبوش، ۱۳۷۸: ۱۰۳). اسرار موجود در سلسله‌های تصوف نه از سوی ک.گ.ب دست یافتنی خواهد بود - حتی اگر موفق به نفوذ شوند- و نه اساساً برای آنان سودمند است. زیرا جز اسرار الهی در این مکاتب مطلب دیگری موجود نیست و این‌گونه اسرار هم ماهیتاً نه مطلوب حکومت‌ها است و نه مشکلی از آنان حل می‌کند.

طریقت قادریه که در چین و اینگوش بیشترین پیروان را دارد، در اواخر سده ۱۹م به ۵ شاخه تقسیم شد که عبارت‌اند از: ۱- شاخه کونتاجی در داغستان و چین؛ ۲- شاخه بَمَت‌گرای در چین؛ ۳- شاخه بطال حاجی در اینگوش؛ ۴- شاخه چیم میرزا در چین و اینگوش؛ ۵- شاخه ویس حاجی در شمال داغستان، اوسیتیا و قبادین (فلاحتی موحد، ۱۳۸۷). لکینا در کتاب، اشاره‌ای به وضعیت امروزی تصوف و طریقت‌های صوفیه در قفقاز نمی‌کند که اگر این مهم روی می‌داد با توجه به بومی بودن نویسنده، اطلاعات ارزشمند و ناگفته‌ای در اختیار خوانندگان قرار می‌داد.

۷. نقد روشی اثر؛ مختصرگویی نویسنده

آنچه زلکینا درباره ویژگی‌های قفقاز اعم از جغرافیایی و قومی در بخش نخست گفته است و همچنین مباحث مربوط به ساختار اجتماعی و آرایش سیاسی قفقاز، در آثار دیگری به صورت مفصل آمده است. برای نمونه در بخش نخست مربوط به مردم و سرزمین قفقاز درباره ساختار اجتماعی، قومی و سیاسی این سرزمین به تنوع قومی و زبانی اشاره شد، در حالیکه سلسله مراتب اقوام برای کسی که با این سرزمین ناآشنا است، دریافتن جایگاه اقوام دشوار است. در واقع به نظر می‌رسد کتاب بیشتر به درد کسانی می‌خورد که اطلاعات بومی

از وضعیت اقوام و جوامع قفقازی، تاریخ و وضعیت حال حاضر آنها داشته باشند. هرچند این، نقصی بر کتاب نیست و لزومی ندارد هر نوشته به بررسی مواد ابتدایی و توضیحی-توصیفی موضوع بپردازد. در همین گفتار، برخی رسوم و عادات قفقازی‌ها در همکاری اجتماعی، روابط اجتماعی، حل و فصل اختلافات، نهاد خانواده، برخی اقوام و طوایف، چگونگی شکل‌گیری قبایل و طوایف و جماعت‌ها و نوع ارتباطات آنها، ساختار پاداش و تنبیه آنها، نام رسته‌های قبیله‌ای و طایفه‌ای، وضعیت همین قبایل و طوایف و جماعت‌ها در داغستان‌ها را باز می‌گوید (زلکینا، ۱۳۹۰: ۳۶-۴۱). ضمن آنکه این اطلاعات ارزشمند هستند و مهم‌تر آنکه تکراری نیستند و بجز منابع فارسی، حتی در متون لاتین نیز کمتر اطلاعات مستند و قابل اعتنا و اعتمادی از این نوع می‌بینیم، این بخش با همه تلاشی که کرده، نتوانسته است تعریفی از ساختارهای اجتماعی از جمله خانواده، قبیله، طایفه و ... ارائه کند. گویا نویسنده آشنایی تئوریک با مفاهیمی از این دست در جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی سیاسی و فرهنگی ندارد و بنابراین مفاهیم را به ترتیب مالوف آن در نظام آکادمیک گردآوری و معرفی نکرده است.

می‌توانیم با استناد به منتقدان روش‌شناسی همچون پل فایراند و کلیفورد گیرتز و برایان فی، این اشکال را از نظر دور داشته (فی، ۱۳۸۳) و (Geertz, 1973) و متذکر شویم که هیچ لزومی ندارد نویسنده بر اساس فرمت‌های دانشگاهی به گردآوری و معرفی اثر خود بپردازد ولی هنوز این اشکال کوچک باقی است که همین موضوعاتی که در عنوان بخش‌ها و گفتارها می‌بینیم به درستی تعریف نشده‌اند و خواننده، شمای کلی از موضوعی مانند خانواده یا طایفه یا اقوام چچنی به دست نمی‌آورد و گویا به گفتن بخش‌هایی از خاطرات مهم درباره موضوعات بسنده شده است. این در حالی است که اینگونه سخن گفتن از موضوعات، به درستی نمی‌تواند واقعیت قفقاز را بازگوید و به نظر می‌رسد نویسنده با نوعی فقر منابع روبه‌رو بوده است. گویا نویسنده از منابع خاصی استفاده کرده که کمتر دیده و خوانده شده‌اند، و به منابع تاریخی محلی مراجعه کرده، از این رو بخشی از مطالبی که درباره منطقه به طور مفصل در آثار دیگر موجود است، خلاصه وار مرور شده و از آن گذشته است. بخش‌هایی از کتاب که درباره تصوف نیست، ویژگی مقدماتی دارد و نیاز هم نبوده که مفصلاً همچون سایر منابع درباره مقدمات معرفی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، قومی، زبانی و ... از قفقاز بحث شود. ولی در برخی از مطالب اساسی مربوط به تصوف نیز گاهی با چنین مسئله‌ای روبه‌رویم. هرچند رویکرد خاص نویسنده در بازگویی ناگفته‌ها و

کمتر گفته‌ها به چشم می‌خورد، و هرآنچه سابقا تکرار شده در این اثر دیگر نیامده است. البته ماهیت کتاب و نویسنده که در جهانی روسی و زبان سیریلیک بازپرداخته شده‌اند، می‌تواند موجب قطع پیوند محتوایی کتاب با جهان انگلیسی زبان و آکادمیک شود و این نیز می‌تواند دلیلی بر تفاوت‌های محتوایی متن با متون مالوف ما باشد.

۸. نتیجه‌گیری

با پایان دو دوره جنگ ایران و روسیه در سه دهه پایانی قرن هجدهم، ایران بزرگ فروپاشید و آخرین دوره امپراتوری ایرانی به سر آمد. از آن پس، در بهترین حالت می‌توان ایران را یک کشور بزرگ توصیف کرد. مرزهای شمالی ایران که به وسیله امپراتوری تزاری از ایران جدا شد، اکنون کشورهای همسایه شمالی ایران هستند که از نظر فرهنگی، اقتصادی و تا حدودی سیاسی - اجتماعی از منابع غیر ایرانی به ویژه فدراسیون روسیه سیراب می‌شود. مسلمانانی که درون مرزهای سرزمینی روسیه ساکن و شهروند روسیه هستند، در این انتقال تمدنی تاثیر به سزایی دارند. این مسلمانان همچنین در فرایند سیاست گذاری و تخصیص منابع دولت روسیه نقش دارند. در حالی که اکنون منابع مختلف به ویژه نهادهایی که مرکز آنها در ایالات متحده و ترکیه قرار دارند، پژوهش‌های گسترده‌ای را درباره مسلمانان آسیای مرکزی، قفقاز و روسیه انجام داده و می‌دهند، در ایران با فقر پژوهش‌های کاربردی و دامنه دار درباره این مناطق روبه رو هستیم. ترجمه کتاب آنا زلکینا درباره تصوف در قفقاز یکی از منابع انگشت‌شماری است که راه را برای مطالعات منطقه قفقاز هموارتر کرده است.

سرزمین‌های مسلمان روسیه دو دسته از اقوام مسلمان بومی (ایلات و طوایف تاتار و باشقیر) و اقوام مسلمان غیربومی (قوم‌های گوناگون آوار، درگین، آذری، چچن، آستی، اینگوش، لزگی، لک...) را دربرمی‌گیرد که در جمهوری‌های با درصد بالای مسلمانان (مانند داغستان، تاتارستان و چچن) یا جمهوری‌ها و مراکز خودمختار با درصد پایین جمعیت مسلمان (مانند شهرهای مسکو و سن پترزبورگ، جمهوری‌های استیا، کالمیک و...) زندگی می‌کنند. درباره جنبه‌های گوناگون زیست این مسلمانان، پژوهش‌های اندکی در دست است که حتی در زبان‌های لاتین، بیشتر آنها تکراری و قدیمی است. جنبه‌های زیست اجتماعی - فرهنگی این مسلمانان نیز به ویژه در پژوهش‌های انجام شده در ایران، به ندرت و بسیار سطحی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. هویت اسلامی مسلمانان روسیه از جمله بخش‌های مغفول در پژوهش‌های انجام شده، اعم از فارسی و لاتین است. هویت اسلامی مسلمانان

روسیه نشان‌دهنده گرایش‌های ژرف به ساختار سیاسی-اجتماعی اسلام در روسیه و رویکردهای کنونی و آتی دستگاه سیاست‌گذاری دولتی و محلی روسیه است. از این رو شناخت مولفه‌های هویت اسلامی مسلمانان روسیه و نقش عناصر پراهمیت قومیت، دین، آیین (مذهب)، جغرافیا، تاریخ، اقتصاد، ترکیب اجتماع و دولت در شکل‌گیری این هویت دینی، ابعاد بنیانی جامعه‌شناسی این جوامع را فراهم می‌آورد. کتاب آنا زلکینا گامی در این راه است و می‌کوشد با از میان برداشتن سدهای مطالعه دین در قفقاز، افق روشنی پیش روی مطالعات منطقه‌ای بگشاید.

بنا بر کتاب زلکینا، رویکرد سیاسی هویت فرهنگی مسلمانان منطقه نشان می‌دهد تصوف بستر مقاومت مسلمانان آسیای مرکزی و قفقاز در برابر حاکمان مستبد و ضد دین بوده است. زلکینا در ادامه خط فکری بنیگسن معتقد است که اسلام «رسمی» یا «محافظه‌کار» در بسیاری از برهه‌ها در برابر دسته‌های مبارز متصوفه ایستاده است.

از کتاب زلکینا، این نتیجه بدست می‌آید که صوفیان دو وجه مثبت و منفی در فرهنگ آسیای مرکزی و قفقاز داشته و دارند، قواعد و قوانینی که رهبران صوفی بنیان ریخته‌اند به فرهنگ سازی سیاسی در منطقه کمک شایانی کرده است. ولی همچنین فرهنگ سیاسی نقش‌بندی در سه وجه ساختاری، فرهنگ اجتماعی و قوانین بر جامعه آسیای مرکزی و قفقاز تاثیر گذاشته است. از نظر ساختاری، مبارزات صوفیان و رهبران نقش‌بندیه و سنت‌هایی که آنان بنا نهادند در ایجاد پیوند جغرافیایی منطقه‌ای (فارغ از نوع مذهب و حتی دین، نژاد، زبان، فاصله راه‌ها) موثر بوده است. در بعد فرهنگ اجتماعی، نقش‌بندیه با ایجاد پیوندهای پیش‌گفته، فرهنگ منسجم، منظم و یکپارچه‌ای پدید آوردند که قواعد و قوانین حاکم بر آن، بنا بر تعاریف جامعه‌گرایانه خاص این طریقت بوده و میل به ایجاد تشکیلات سیاسی-اجتماعی قانون مند و سنت‌گرا داشت که با تعریف و جهان‌بینی این مکتب همخوان بوده و در آسیای مرکزی و قفقاز بومی شد.

۹. پیشنهادهای کاربردی

نخست نظر من بر آن است که نویسنده لزوماً به رعایت موبه موی قواعد روشی و نوشتاری در مقالات ملزم نباشد. چه امروزه حتی در کتبی که چند نویسنده دارند، روش معمول دنیا بر حفظ قواعد روشی هر نویسنده است تا به‌قاعده کردن همه نوشته‌ها بر اساس یک روش؛ که شاید برای هر نویسنده و نوشته‌ای، قالب مناسب و متناسبی نباشد؛ از جمله گاهی

نقدهای من و برخی دوستان به ۵۰، ۷۰ یا ۱۰۰ صفحه می‌رسد تا مطلب را به خوبی برساند؛ گاهی نیز در ۱۲ یا ۲۰ صفحه جمع شدنی است.

دوم؛ درباره دین و فرهنگ در روسیه، قفقاز و آسیای مرکزی، آثار ارزشمندی انگشت شماری به زبان‌های غیرفارسی، لاتین، روسی و انگلیسی نوشته شده که تقریباً هیچیک از آنها (اصل اثر یا ترجمه آن) در دسترس نیست. نظر من بر این است که این آثار استخراج و ترجمه شوند؛ یعنی یک نهضت ترجمه به راه بیفتد که حتی آثار قدیمی‌تر (منظور مربوط به پس از دهه ۱۹۹۰ م.) را نیز نقد و ترجمه نماید. برخی از منابع این مقاله مانند کتاب‌های سیلی، شانسینر و بخاریف از آن جمله‌اند. فهرستی از این آثار به کتاب نقد معرفی شده است که خوشبختانه سالانه یک یا دو مورد از آنها مورد نقد قرار می‌گیرد؛ مانند اثر حاضر که در هنگام پیشنهاد نقد آن هنوز ترجمه نشده بود و کتاب تئوری چهارم دوگین که پارسال نقد و معرفی شد.

سوم، زمینه‌های بکارگیری آثار و زمینه‌ای شدن آنها با تبادل استاد، دانشجو و پژوهشگر، فرصت‌های مطالعاتی و اقتصادی، ارتباط با مناطق زمینه‌ای یعنی قفقاز و آسیای مرکزی در زمینه‌های پژوهش، صنعت، اقتصاد، جامعه و ... فراهم آید و دانش‌آموختگان رشته‌های مربوطه برای گسترش علوم اجتماعی آن مناطق بکار گرفته شوند.

کتاب‌نامه

- امیدوارنیا، محمد جواد، «نقشبندی و نقش آن در آسیای مرکزی و چین»، فصلنامه مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۳، شماره ۶، پاییز ۱۳۷۳.
- انصاری، قاسم. مبانی عرفان و تصوف. چاپ سوم، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۷۹.
- آینه پژوهش. «تازه‌های نگارش و نشر». سال ۲۲، شماره ۵، آذر و دی ۱۳۹۰.
http://jap.isca.ac.ir/article_715_fe0f50d113cbd3d19ed419717e33ab0d.pdf
- بنیگسن، الکساندر و اندرسن ویمبوش، صوفیان و کمیسرها، ترجمه افسانه منفرد، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸.
- تر هار، یوهان گ. ی. اهمیت مرشد در طریقت نقشبندی. در: لئونارد لویژن (ویراستار). میراث تصوف. ترجمه مجدالدین کیوانی. جلد دوم. تهران، مرکز، ۱۳۸۴.
- حسینی، سیده مطهره (ب). «هویت سه گانه تاتارها؛ اسلامی، تاتار و روس». فصلنامه سیاست. شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱. صص ۹۱-۱۰۵.
- حسینی، سیده مطهره. مسلمانان روسیه. تهران، ابرار معاصر، ۱۳۹۱.

۸۸ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال بیستم، شماره نهم، آذر ۱۳۹۹

- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه. ازبکستان. تهران، ۱۳۸۶.
- زرین کوب، عبدالحسین. ارزش میراث صوفیه. چاپ سوم، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۲.
- زعیمی، خدیجه، «تصوف در آسیای میانه، قدرت میانه‌رو یا مهره سیاسی؟» فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۷.
- زلکینا، آنا. جنبش‌های اسلامی در قفقاز شمالی؛ در جستجوی خدا و آزادی، واکنش‌های صوفیان به پیشروی روسیه در قفقاز شمالی. ترجمه الهه کولایی و محمد کاظم شجاعی. تهران، علم، ۱۳۹۰.
- طاهری، سید مهدی و سید سعید هاشمی نسب، «تصوف در آسیای مرکزی، قفقاز و روسیه»، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۲، تابستان و پاییز ۱۳۸۸.
- فلاحتی موحد، مریم. تصوف. دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۵، ۱۳۸۷.
- فی، برایان. پارادایم‌شناسی علوم انسانی. ترجمه دکتر مرتضی مریدها. تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.
- گراس، جو-آن. سطوت و کرامت؛ تاملاتی در داستان‌های کرامات خواجه عبیدالله احرار. در: لئونارد لویژن (ویراستار). میراث تصوف. ترجمه مجدالدین کیوانی. جلد یکم. تهران، مرکز، ۱۳۸۴.
- محمدی وایقانی، کاظم. بایزید بسطامی. تهران، طرح نو، ۱۳۸۰.
- منفرد، افسانه و کاوه بیات، چچن‌ها در گذر تاریخ، تهران، انتشارات دایره المعارف اسلامی، ۱۳۷۴.
- موسوی بجنوردی، کاظم، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۵، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷.
- مینوی، مجتبی. احوال و اقوال شیخ ابوالحسن خرقانی. تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۶۳.
- نوربخش، جواد. پیران خراسان. (دفتر ششم). تهران، یلدا قلم، ۱۳۸۱.
- نوشاهی، عارف. احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار (۸۰۶-۱۹۵ ق.). مشتمل بر ملفوظات احرار به تحریر میر عبدالاول نیشابوری، ملفوظات احرار (مجموعه دیگر)، رقعات احرار، خوارق عادات احرار تالیف مولانا شیخ. تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰.

Bell, Imogen, (ed), *The Territories of the Russian Federation 2003*, London & N.Y., Euroupa Publication, Taylor & Francis Group, 4th edition, 2003.

Geertz, C. *The Interpretation oof Cultures*. N. Y. Basic Books, 1973.

Mnatsakanyan, Alexander, *Do Chechens Want War?* in: Tania Lokshina, A. Cherkasov, A. Mnatsakanyan, V. Pakhomenko, *Chenchnya Inside Out*, Moscow, Demos centre, 2007.

Seely, Robert, *Russo-Chechen Conflict, 1800-2000, a Deadly Embarace*, London & New York, Frank Cass, 2004.

Zelkina, Anna, "Islam and Society in Chechnia: from the Late Eighteenth to the Mid-Nineteenth Century", *Journal of Islamic Studies*, Vol. 7, No. 2, 1996. pp 240-264.

Zelkina, Anna. *In Quest for God and Freedom; Sufi Responses to the Russian Advance in the North Caucasus*. Hurts & Co. London, 2000.

نقد کتاب جنبش‌های اسلامی در قفقاز شمالی ۸۹

Zelkina, Anna. *The Chechens: A Handbook*, Routledge/Curzon, 2002.

Zelkina, Anna. "Islam and politics in the North Caucasus", *Journal of Religion, state and Society*, Vol. 21, No 1993. 02 Jan 2008. Pages 115-124.

Zelkina, Anna. *The 'Vahabism' of Northern Caucasus vis-à-vis State and Society: the Case of Dagestan*, in: Moshe Gammer, *The Caspian Region, Volume 2: The Caucasus*, Taylor & Francis, 01/01/2002.

Zelkina, Anna. "Islam in the post-Soviet Caucasus: Legal, Social and Political Aspects." www.soas.ac.uk/cccac/events/13jun2008-conference-islam-in-the-post-soviet-caucasus-legal-social-and-political-aspects.htm.

SID



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



عضویت در
خبرنامه



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی